

بازکاوی مفاهیم مالیات و امور مربوط به آن در ایران

مسعود سعیدی فر^۱

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد

چکیده

مقاله حاضر به بازکاوی مفاهیم مالیات و امور مربوط به آن در ایران می‌پردازد. این مقاله به بررسی تاریخچه مالیات ایران، تعاریف مختلف مالیات، انواع مالیات، اصول محاسبه مالیات، معافیت‌ها، تخفیف‌ها و تعهدات مالیاتی می‌پردازد. سیستم مالیاتی یکی از ابزارهای اصلی دولت برای جمع‌آوری درآمدها و تأمین منابع مالی جهت تأمین نیازهای عمومی است. در این راستا، شناخت صحیح از مفاهیم مالیاتی و قوانین مربوطه از اهمیت بسزایی برخوردار است. سازوکارها و قوانین مالیاتی در ایران توسط سازمان امور مالیاتی کشور تنظیم و اجرا می‌شود. همچنین این مقاله به بررسی مقایسه مالیات با زکات، ویژگی‌های نظام مالیاتی کارآمد، ارزیابی نظام مالیاتی ایران، مشکلات فعلی نظام مالیاتی ایران، طبقه‌بندی مالیات‌ها در ایران، سیر مراحل وصول مالیات، اهمیت انطباق با قوانین مالیاتی، تأثیرات مالیات بر اقتصاد و جوامع و نقش مالیات در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور می‌پردازد. هدف این مقاله ارائه یک نگاه جامع به مفاهیم مالیاتی و امور مربوط به آن در ایران است تا خوانندگان را با اصول و اهداف اصلی سیستم مالیاتی این کشور آشنا سازد و به درک بهتری از این حوزه برساند. در نهایت، این مقاله سعی دارد تا بازکاوی جامعی از مفاهیم مالیاتی و امور مربوط به آن در ایران ارائه دهد و خوانندگان را با اصول و اهداف اصلی سیستم مالیاتی ایران آشنا سازد.

واژه‌های کلیدی: مالیات، امور مالیاتی، سازوکارهای مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی، تخفیف‌های مالیاتی، قوانین مالیاتی

مقدمه

مالیات یکی از مظاهر حاکمیت دولت ها است. اگر ایجاد عدالت اجتماعی، توزیع متناسب درآمدها، کاستن از شکاف درآمدی بین اقشار مختلف جامعه، تثبیت قیمت ها، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری، کاهش تورم و حمایت از تولیدات را از مهمترین اهداف دولت ها بدانیم، دولت ها از انواع سیاست های مالیاتی در جهت تحقق اهداف مذکور، می توانند بهره بگیرند. از طرفی نظارت بر نحوه مالیات ستانی، لازمه نظارت بر منابع بودجه ای و منابع درآمدی دولت هاست. هدف از نظارت بر مالیات ستانی، تاثیر گذاشتن بر کارایی و به عبارتی مالیات ستانی موثر است، که این مهم نیز صورت نمی پذیرد مگر اینکه یک نظام مالیاتی مطلوب استقرار یابد.

اگر برای یک نظام مالیاتی مطلوب، بده و بستانی در نظر بگیریم، تامین رضایت افرادی که اقدام به پرداخت مالیات می کنند به عنوان ستانده چنین نظام مالیاتی، باید مدنظر قرار گیرد. لذا یکی از الزامات و ویژگی های کارآمدی نظام مالیاتی، تبیین شرایط رضایت افراد در اخذ مالیات ها است. در این راستا، تمکین مالیاتی مودیان، یکی از مهمترین مسائل مرتبط با مقوله رضایت افراد مطرح می گردد. به زبان دیگر می توان تمکین مالیاتی را به عنوان شاخص خلاصه شده ای از کارایی و اثربخشی برنامه عملیاتی سازمان امور مالیاتی تلقی کرد.

امروزه نقش نظام های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچکس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف عمده از وضع مالیات کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. هدف اقتصادی از وضع مالیاتها، تثبیت نوسانهای اقتصادی، تخصیص بهینه منابع بین بخشهای مختلف و کمک به تسريع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می باشد و هدف بودجه ای دولتها از وضع مالیاتها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می باشد.

متأسفانه مالیات ها در اقتصاد ایران اثر بخشی لازم و کافی را نداشته چراکه نقش و تأثیر درآمدهای نفتی در تأمین هزینه های جاری علاوه بر اینکه موجب اتکاء درصد بالایی از بودجه کشور به درآمدهای نفتی شده، زمینه رشد هزینه های جاری را نیز فراهم نموده و مانع شکوفایی ظرفیتهای واقعی اقتصاد کشور گردیده و از طرفی دولت را از داشتن یک درآمد ثابت و قابل اطمینان و اعتماد محروم کرده است بطوریکه اکنون با گذشت زمان زیاد این موضوع به یک مشکل اساسی در کشور تبدیل شده است.

توجه بیشتر به نقش مالیات در بودجه دولت و انجام اقداماتی به منظور افزایش سهم درآمدی آن در کشور ضرورت دارد چراکه از یک سو با محدودیت ظرفیت منابع طبیعی و از سوی دیگر به دلایل گوناگون از قبیل ابداع روش های جدید تولید و دستیابی به جانشین های مناسب با نوسان تقاضا و قیمت ها در بازار جهانی روبرو هستیم، از این رو نمی توان مدت طولانی به درآمد فروش منابع نفتی اتکا کرد.

سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در بخش امور اقتصادی در بند ۴۲، بر حرکت برای تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی های مولد به منظور پایدارسازی فرآیند توسعه و تخصیص و بهره برداری بهینه از منابع تأکید خاص کرده است که این امر توجه برنامه ریزان را به سایر منابع درآمد غیر نفتی دولت که در رأس آن مالیات، به عنوان منبع درآمدی قابل اطمینان قرار دارد؛ نمایان می کند. در ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر لزوم توسعه افزایش سهم درآمدهای غیر نفتی (مالیاتها و سایر درآمدها) از کل منابع بودجه تأکید شده به گونه ای که تا پایان برنامه چهارم اعتبارات هزینه ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تأمین شود.

دولتها به تنهایی و بدون مشارکت مردم قادر به وصول مالیات نخواهند بود. و در این راستا دولت باید به دنبال یافتن دلایل عدم پذیرش مالیات از سوی مردم بوده و نسبت به رفع آن علت ها اقدام نماید. این پژوهش نیز در جهت یافتن عوامل موثر بر ارتقاء تمکین مؤدیان مالیاتی می باشد.

تاریخچه مالیات ایران

در ابتدای تاریخ ایالات و عشایر و اقوامی که دارای استقلال بودند پرداخت مالیات را نوعی تحقیر و علامت انقیاد می دانستند و از پرداخت آن خودداری می کردند و رؤسا و پادشاهان این اقوام به دریافت تحفه و هدایا که معمولاً هر سال یا چند سال یک مرتبه برای آنها فرستاده می شد اکتفا می کردند و پرداخت عمده مالیات رابر دوش ملل مغلوب و زیرسلطه می نهادند. در زمان اشکانیان به تقلید از یونانیها درسر حدات ایران دفاتر گمرکی تأسیس گردید و از کالاهای وارده و صادره مبلغی به عنوان حق گمرک دریافت می شده است. درابتدای ظهور سلسله ساسانیان مالیات ارضی به نام خراک (به زبان عربی خراج) معمول بوده وازعین محصول گرفته می شد.کشاورزان موظف بودند محصول خود را تا موقعی که مأموران برای تعیین سهم دولت حاضر شوند در صحرا بگذارند که در نتیجه بعضی اوقات طول زمان موجب فاسدشدن محصول و خسارت دولت و مردم می گردید ، به همین علت انوشیروان مصمم به اصلاح مقررات مالیاتی ایران شد و اخذ مالیات از محصول را ملغی اعلام کرد و دستور داد تمام دهات و آبادی های کشور را ممیزی و مساحت اراضی را با ذکر نام زارع و مقدار اشجار و اغنام واحشام دردفتری ثبت نمایند .

درزمان ساسانیان مالیاتهای دیگری به عنوان مالیات سر شماری و مالیات سرانه نیز وضع کردند ، زنها و بچه ها ، پیرمردها از پرداخت سرانه معاف بودند.

دردوره های بعد از اسلام تقریباً تا زمان هلاکوخان مغول قوانین مالیاتی درتمام بلاد ایران به همان نحو و ترتیبی که خلفای عباسی مقرر نموده بودند ملحوظ و مجری بود اما با آنکه قوانین مزبور مبتنی بر قواعد اسلامی بود به توالی ایام به صورت عرضی ظاهر شد و با توجه به زمان وموقعیت های مختلف دچار دگرگونی های گشت. بطوریکه مالیات هایی که دوره

استبداد و قبل از مشروطیت وصول گردید برخی همان نوع مالیات های یادگار دوره های پیش از اسلام و بعضی دیگر مربوط به عصر حکومت اسلامی بوده و علاوه بر آن به مرور مالیات های دیگری در این دوره مقرر گردید و به موقع اجرا گذارده می شد. در دوره مشروطیت در مقررات مالی و مالیاتی اصلاحاتی به عمل آمده و در زمان های مختلف قوانین جدیدی وضع گردید اولین قانون مربوط به مالیات در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به نام قانون ممیزی طبق اصول علمی به تصویب مجلس اول رسید. در سال ۱۳۰۴ شمسی قانونی به تصویب رسید که می توان آن را مبدأ اصلاحات و تحولات مالی ایران شمرد و آن مالیات املاک اربابی و دواب بود. این مالیات فقط عایدات املاک فرروعی تعلق گرفت و از سایر عایدات مانند درآمد بازرگانی، پیشروان، شاغل، آزاد و غیره مالیاتی اخذ نمی گردید، با وضع این قانون که بعداً تغییرات زیادی در آن داده شد و مقررات مالیاتی ایران متحدالشکل گردید و در تمام کشور عمومیت پیدا کرد در سال ۱۳۰۹ قانون مالیات بر درآمد با گنجاندن نرخ تصاعدی درآمد تصویب شد. در سال ۱۳۱۳ قانون صدی سه جایگزین قانون مصوب ۱۳۰۴ گردید و در سال ۱۳۱۶ برای اولین بار قانون مالیات بر ارث تصویب شد. در سال ۱۳۲۲ مجدداً مالیات املاک فروعی با اصلاحاتی احیا می شود. در سال ۱۳۲۸ قانون مالیات املاک فروعی و مالیات بر درآمد به تصویب می رسد. در دوره مشروطیت از بدو تأسیس مجلس تا سال ۱۳۴۵ به مرور قوانین مالیاتی و آئین نامه های مربوطه احکام و قواعد پیشرفته تری گنجانیده می شود بطوریکه قوانین و آئین نامه ها و دستورالعمل های موجود در سال ۱۳۴۵ بسیاری از خصوصیات مربوط به مقررات مالیاتی امروز را در برداشته است. به عنوان مثال برای درآمد حاصل از منابع مختلف مانند حقوق و دستمزد، شرکتها، مشاغل، مستغلات مالیات هایی با نرخ مقرر تعیین و مطالبه می شد. همچنین با ترتیبات خاصی به اعتراضات و شکایات مؤدیان رسیدگی می شده و در رابطه با کمیسیون های تشخیص بدوی و تجدید نظر ایجاد گردید و نرخ های تصاعدی در قانون مالیاتی ایران جای گرفته بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و احیا ارزشهای اسلامی در جامعه و دگرگونی هایی که در ارکان مختلف کشوری و لشگری به وقوع پیوست و در این راستا ناگزیر در قوانین مختلف رژیم سابق تغییرات زیادی ایجاد گردید که این تغییرات در بافت جامعه و از جمله مؤدیان مالیاتی هم از جهات مادی و معنوی و طرز اشتغال و کسب درآمد مؤثر بوده است. برای حل مشکلاتی که برای مؤدیان و مأموران مالیاتی شده بود لوایح متعدد اصلاحی و الحاقی از اسفند ماه ۱۳۵۷ تاکنون به مجلس شورای اسلامی تقدیم و تصویب گردیده است و به دنبال آن وزارت امور اقتصادی و دارایی از اوایل دهه ۱۳۶۰ دست به کار تهیه پیش نویس قانون مالیات های جدید شده و پیش نویس مورد نظر با مطالعه دامنه داری که قبلاً صورت گرفته بود در اسرع وقت آماده و بعد از بررسی و تصویب هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید. و پس از بررسی های زیاد در کمیسیون های مختلف به مدت ۳ سال و مشاوره با هیئت های بازرگانی پیش نویس قانون که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل گردیده بود

سرانجام در ۲۷۱ ماده و ۲۱۱ تبصره در سوم اسفند ماه ۱۳۶۶ به تصویب رسید که اول سال ۱۳۶۸ به مورد اجرا گذارده شد و آخرین اصلاحیه در بهمن ماه سال ۱۳۸۰ صورت گرفت.

تعاریف و مفاهیم مالیات

مالیات مبلغی که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و موسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تامین مخارج عامه می‌گیرد و افزون بر خصلت اجباری بودن یک خصوصیت بارز دیگر مالیات این است که رابطه صحیح دو طرفه یا متناسبی میان میزان مالیات و ارزش خدمات عمومی وجود دارد، که مالیات عبارت است از: "پرداخت‌های اجباری برای فعالیت‌های مشخص اقتصادی که معمول‌ترین و مهم‌ترین روش تامین مخارج دولت می‌باشد. به علاوه مالیات‌ها توانایی افراد را در حق استفاده از منابع اقتصادی که برای مصارف خصوصی در اختیار دارند، کاهش می‌دهد." (صفای نیکو، حمید، ۱۳۷۵ ص ۱۵۲). مالیات یکی از مهمترین ابزار اعمال سیاست مالی دولت‌ها می‌باشد.

مالیات مبلغی که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و موسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تامین مخارج عامه می‌گیرد و افزون بر خصلت اجباری بودن یک خصوصیت بارز دیگر مالیات این است که رابطه صحیح دو طرفه یا متناسبی میان میزان مالیات و ارزش خدمات عمومی وجود دارد، که مالیات عبارت است از: "پرداخت‌های اجباری برای فعالیت‌های مشخص اقتصادی که معمول‌ترین و مهم‌ترین روش تامین مخارج دولت می‌باشد. به علاوه مالیات‌ها توانایی افراد را در حق استفاده از منابع اقتصادی که برای مصارف خصوصی در اختیار دارند، کاهش می‌دهد." (صفای نیکو، حمید، ۱۳۷۵ ص ۱۵۲). مالیات یکی از مهمترین ابزار اعمال سیاست مالی دولتها می‌باشد.

مفهوم را می‌توان انتزاع یا تجدید رویدادهای مشاهده پذیر دانست، بدین معنا که بیانگر یک چیز، ویژگی یا پدیده بخصوصی است. تشکیل مفهوم راهی کوتاه برای تعریف وتوصیف واقعیت‌ها است و مقصود از آن ساده کردن امر تفکر است (خاکی، ۱۳۸۷، ۳۴) بنابراین از آنجایی که مفهوم مالیات در موضوع مورد پژوهش اهمیت ویژه‌ای را دارا می‌باشد لذا تعریف این واژه از دیدگاه صاحب نظران ارائه می‌گردد:

۱- به گفته کاستون^۱ اقتصاد دان کلاسیک مالیات عبارت است از یک نوع پرداخت و تأدیه مالی که در نتیجه الزام قانونی از نظر تأمین مخارج دولت بلاعوض بوسیله مردم انجام می‌شود.

Caston-۱

۲- از دیدگاه پرفسور ماسگریو^۲، مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی یا اجرایی سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و بوسیله اهرمهای اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود.

۳- دانشمند فرانسوی به نام آبلیو^۳، مالیات را بهای انجام خدماتی که از طرف دولت شده یا می‌شود دانسته است.

۴- به عقیده کوس^۴، مالیات عبارتست از وجوهی که هیأت حاکم به موجب اصل تعاون ملی و به منظور تأمین هزینه‌های دوائر دولتی و پرداخت بدهی‌های عمومی از پرداخت‌کننده مالیات مطالبه می‌نماید.

۵- به موجب اصل تعاون ملی و برابر قوانین و مقررات مصوب هریک از افراد یک کشور موظف است به منظور تأمین مخارج عمومی مملکت و حفظ منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برحسب توانایی و استطاعت مالی خود سهمی از درآمد و یا دارایی خویش را به خزانه دولت بپردازد سهم هر فرد در پرداخت مالیات باید متناسب با درآمد و ثروت وی باشد، افرادی که درآمد بیشتری کسب می‌کنند نشانگر استفاده بیشتر آنها از امکانات موجود جامعه بوده است. بدون وجود راه‌ها و خطوط ارتباطی، سیستم بانکی، بیمه‌ها، امنیت اجتماعی نهادهای قانونی و افرادی که حافظ حقوق مردم هستند ادامه روند کار، تولید و تجارت برای کسب درآمد میسر نمی‌باشد. بنابراین افراد برخورد دار از این امکانات باید در تأمین امور مالی جامعه نیز سهم بیشتری را پرداخت کنند، در این صورت عدالت اجتماعی که یکی از اهداف بارز و مورد تأکید نظام اسلامی است تحقق خواهد یافت. پس هرکسی که درآمد بیشتری دارد باید مالیات بیشتری نیز پرداخت نماید که این موضوع با اعمال نرخ تصاعدی پیش‌بینی شده در ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مد نظر قرار گرفته است.

۶- مالیات مبلغی است که دولت از اشخاص، شرکتهای، موسسات براساس قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه دریافت می‌دارد. افزون بر خصلت اجباری بودن، یک خصوصیت بارز دیگر مالیات در این است که رابطه صحیح دو طرفه یا متناسبی میان مالیات دریافتی و ارزشی خدمات عمومی که مالیات‌دهندگان از آن برخوردار می‌شوند، وجود ندارد (عرب زار، ۱۳۷۶، ۲۴)^۴

^۱-Masgeriu

2-Abliu

3-Caos

۷- مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمد جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت های اقتصادی است که نصیب دولت می گردد، زیرا ابزار و امکانات دستیابی به درآمد ها و سودها را دولت فراهم ساخته است. در واقع با اجرای عادلانه قانون مالیات ها دولت آحاد مردم را به یک نوع پس انداز اجباری سوق می دهد. امروزه درکلی ترین تعریف از مالیات یک نوع هزینه اجتماعی به شمار می رود که افراد جامعه به تناسب استفاده از این هزینه های اجتماعی باید تقبل پرداخت آن را نمایند (دوانی ، ۱۳۸۰ ، ۹۱).

مقایسه زکات و مالیات

یکی از مسائل مهم در امر مالیات های متعارف در جامعه اسلامی رابطه آن با واجبات مالی شرعی زکات و خمس است. این پرسش دغدغه خاطر مردم، مسئولان دولتی و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی است. برخی معتقدند بخش مهمی از نظام مالی اسلامی و در نتیجه منابع مالی دولت اسلامی را زکات و خمس تشکیل می دهد و بنابراین دولت مسئول جمع آوری آن است، اما برخی دیگر خمس و زکات را از مالیات جدا می دانند. از تعریف مالیات و خمس و بررسی هدف از دریافت آنها می توان وجوه اشتراک و تفاوت های این دو را مشخص کرد.

مالیات یک بخشش یا پرداخت داوطلبانه نبوده بلکه یک کمک اجباری و وظیفه مالی یا هزینه دیگری است که بر یک فرد یا نهاد قانونی توسط دولت یا نهادی هم ارز دولت تحمیل می شود. به طور کلی مالیات ستانی چهار هدف عمده دارد: درآمد، توزیع مجدد، قیمت گذاری مجدد و نمایندگی و هدف اصلی آن کسب درآمد است. زکات مطابق تعریف فقها، حق مشخصی است که خداوند در اموال مسلمانان برای مواردی که در قرآن نام برده شده مانند فقرا، مساکین و سایر مستحقان به خاطر شکر نعمت الهی و تقرب به او و تزکیه نفس و مال واجب کرده است.

وجوه اشتراک

- ۱- عنصر « اجبار » هم در مالیات و هم در زکات وجود دارد. سیره پیامبر (ص) و خلفا نشان می دهد که عاملانی را برای دریافت زکات می فرستادند و با افراد مختلف برخورد می کردند.
- ۲- مالیات غیر جبرانی است یعنی مالیات دهنده مالیات خود را به عنوان عضوی از جامعه و صرف نظر از خدمات عمومی که به او می رسد، باید به دولت پرداخت کند. زکات نیز برای نفع خاصی پرداخت نمی شود و زکات دهنده آن را به عنوان یک تکلیف شرعی می پردازد.
- ۳- زکات همانند مالیات دارای اهداف اجتماعی - اقتصادی است، اگرچه ممکن است از نظر آثار و دامنه اهداف متفاوت باشند.

وجوه اختلاف

مهمترین اختلاف بین زکات و مالیات به شرح زیر است:

۱- اسم و عنوان : کلمه زکات در لغت به معنای طهارت و برکت است. این کلمه در قانون اسلامی به سهمی که فرد واجب است از مال خود برای فقرا و سایر مصارف بپردازد اطلاق می شود که با کلمه مالیات مخالف است. لفظ مالیات از بستن غرامت یا خراج یا خرید و مانند آن مشتق شده است.

۲- ماهیت : یکی از اختلافات بین زکات و مالیات این است که زکات عبادتی است که بر مسلمانان برای شکر گذاری از خدای تعالی و تقرب به او واجب شده است، در حالی که مالیات یک التزام مدنی محض است که خالی از معنای عبادت و قربت است. بنابراین، نیت شرط ادا و قبول در نزد خداست. چون زکات، عبادت و رکن دینی اسلامی است، جز از مسلمانان قبول نمی شود. این برخلاف مالیات است که بر مسلمان و غیر مسلمانان و بر توانایی پرداخت او لازم است. زکات یک تکلیف عبادی و مالی است و وجوب آن دارای شرایطی است. برخی از این شرایط شامل بلوغ و عقل است. بنابراین افراد نابالغ و مجنون از دادن زکات معاف هستند در حالی که مشمولان مالیات هر صاحب درآمد، دارایی و ... است.

۳- محدود بودن پایه، نصاب و مقدار (نرخ) : زکات حق مشخصی است که از طرف شارع تعیین شده است. شارع، نصاب هر مالی را تعیین کرده است. شارع، مقدار زکات و میزان نصاب را تصریح کرده است بنابراین هیچ کس نمی تواند آن را تغییر داده و یا تبدیل به چیز دیگر کنند و حق زیاد و کم کردن ندارد. اما مالیات در پایه، نصاب، نرخ و مقادیر به نظر حاکمیت وابسته است و یا بقا و حذف آن نیز در اختیار مقام های قانونی است. مالیات در دوران معاصر به عنوان ابزار مهم سیاست مالی و وسیله انجام وظایف سه گانه دولت است. دولت ها با تغییر نرخ مالیاتی و اعمال معافیت ها و تخفیف های مالیاتی، انگیزه فعالان اقتصادی جامعه را به سمتی هدایت می کنند که منافع و رفاه عمومی حداکثر شود. آیا زکات و مالیات اسلامی چنین توانایی را دارند ؟ برخی اندیشمندان اسلامی به جای تغییرات فوق، با استفاده از احکام زکات پیشنهادهایی را مطرح کرده اند، به عنوان مثال اگر دولت بخواهد یک سیاست انقباضی در پیش گیرد، می تواند در دریافت زکات تعجیل کند و پیش از رسیدن موعد، حتی زکات چند سال را پیشاپیش دریافت کند.

۴- ثبات و دوام : زکات یک واجب ثابت و دائمی است. مادامی که اسلام و مسلمانان در زمین باشند، زکات واجب است و جور ستمگر و عدل عادل آن را باطل نمی کند و شأن زکات همانند نماز از ارکان دین است، اما مالیات نه در نوع و نه در نصاب و نه مقادیر و نه در اصل خود چنین ثبات و دوامی را ندارد، در حالی که مالیات یک وظیفه شهروندی است و چنانچه حکومت در مطالبه مالیات خود سستی کند یا آن را به تأخیر اندازد، ملامتی بر مؤدی مالیاتی نیست.

۵-موارد مصرف: زکات دارای مصارف خاصه است که خداوند در قرآن آن را تعیین کرده و بنا بر فقه شیعه، زکات را می توان در امور زیربنایی مثل جاده ها، پل ها، سدها، مساجد و... صرف کرد. بنابراین می توان زکات را همانند مالیات، یک درآمد عمومی و نه درآمد اختصاصی قلمداد کرد ولی با تأکید بر مصرف زکات برای فقرا، زکات نزد دانشمندان اسلامی، به عنوان منبع مالی تأمین اجتماعی فقرا قلمداد شده است.

اصول مالیات ها (شرایط برقراری مالیات)

علیرغم اختیارات گسترده دولت در اخذ مالیات، دولت موظف است چند اصل مهم را به هنگام وصول مالیات مورد عنایت قرار دهد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اصل قانونی بودن مالیات: اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص "قانونی بودن مالیات" مقرر می - دارد: "هیچ نوع مالیاتی وضع نمی شود مگر به موجب قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود."

۲- اصل سالیانه بودن مالیات: به موجب ماده ۱۵۵ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، سال مالیاتی در خصوص اشخاص حقیقی، عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخراصفند ماه همان سال ختم می شود. لیکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آنها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی کند، درآمد سال مالی آنها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می گیرد و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آنها چهار ماه شمسی پس از سال مالی می باشد.

۳- اصل عدم عطف به ماسبق نشدن قوانین مالیاتی: این اصل به عنوان یک اصل کلی حقوق درمورد قوانین مالیاتی نیز ساری و جاری است البته ممکن است قانونگذار بنا به مصالح اجتماعی در مواردی قوانین مالیاتی را عطف به ماسبق کند مانند زمان تصویه بقایای مالیاتی سال قبل.

۴- اصل اجرای فوری قوانین: یکی دیگر از اصول حقوقی، اصل اجرای فوری قوانین است که در مورد قوانین مالیاتی نیز صادق است. طبق این قاعده، قانون پس از تصویب نسبت به وضعیت های موجود فوراً اجرا می شود، یعنی همان که قانونی قابل اجرا شد بر تمام وقایع حکومت می کند و نه تنها درباره وضعیت هایی که بعد از حاکمیت آن به وجود خواهند آمد بلکه اصولاً در مورد وقایع در حال جریان نیز اجرا می شود. اجرای این قاعده در مورد مالیات های غیر مستقیم با مشکلی مواجه نمی شود چون این مالیات در مقطع خاص وصول می شود (هنگام مصرف و یا در مورد کالاهای گمرکی هنگام ترخیص کالا)، اما در مورد مالیات های مستقیم این قاعده را باید با اصل سالیانه بودن مالیات تلفیق داد مثلاً زمان وصول مالیات بر درآمد، پایان سال

است. اگر در طی سال، قبل از وصول مالیات، میزان آن افزایش یافت چون زمان وصول هنوز فرا نرسیده قانون جدید قابل اجرا است.

۵- اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی: طبق ماده ۲۳۲ ق.م.م مصوب ۱۳۶۶ که عیناً برگرفته از ماده ۳۳۱ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ است: "اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مودی به دست می آورند محرمانه تلقی و از افشاء آن جزء در امر تشخیص درآمد نزد مراجع ذیربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشاء طبق قانون مجازات اسلامی با آن ها رفتار خواهد شد."

۶- اصل عدم تبعیض بین مودیان: در ایران اصل نود و هفتم متمم قانون اساسی مشروطیت ایران آشکارا اعلام می دارد: "در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد."

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل "برابری مالیاتی" به صراحت آورده نشده است لیکن از سایر اصول قانون مذکور می توان اصل برابری مالیاتی را استخراج کرد. طبق بند نهم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی" از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است و یا در اصل بیستم قانون مذکور آمده است: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" و بالاخره در ارتباط با برابری عالی ترین مقام کشوری با سایر افراد، قسمت اخیر اصل یکصد و هفتم قانون اساسی مقرر می دارد: "رهبر در برابر سایر افراد کشور مساوی است."

۷- اصل رعایت اجرای قوانین مالیاتی از حیث مکان: محل اقامت مودی و محلی که مآخذ تعلق مالیات در آنجا قرار دارد در تعیین وضع مالیاتی مودی از لحاظ حقوقی اهمیت خاصی دارد. در مواردی که محل اقامت مودی و محل اخذ درآمد در یک کشور است، مسئله ای مطرح نیست ولی در همه موارد محل اقامت مودی و محل اخذ درآمد در کشور واحد قرار ندارد. بنابراین در اینجا دو مسئله مطرح می شود: مسئله نخستین این است که شخص ممکن است هم از طرف دولت محل اقامتش و هم محلی که مآخذ تعلق مالیات در آنجا قرار دارد مشمول مالیات گردد (مالیات مضاعف) و مساله دیگر این است که مودی برای این که از زیر بار مالیاتی کشور متبوع خود فرار کند و یا از معافیت بیشتری برخوردار گردد، مآخذ محاسبه مالیات را به کشور دیگری منتقل می سازد. بموجب ماده ۱۶۸ ق.م.م، دولت می تواند برای جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات راجع به درآمد و دارایی مودیان با دولت های خارجی موافقت نامه های مالیاتی منعقد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مرحله اجرا بگذارد (موسی زاده، ۴۹، ۱۳۸۵-۴۵). اقتصاددانان کلاسیک به اصل عدالت و مساوات در مالیات اعتقاد دارند. این اصل به اصل مالیات نسبی معروف است. بر اساس این اصل وضع مالیات زمانی عادلانه است که در پرداخت مالیات مساوات و برابری

در نظر گرفته شود یا به عبارت دیگر هر فرد نسبت برابری از درآمدش را به عنوان مالیات بپردازد. برای مثال اگر فردی ۵۰۰۰۰ واحد پولی درآمد دارد و فرد دیگری ۷۵۰۰۰ واحد پولی، در صورتی که فرد اول ۵۰۰ واحد پولی مالیات می‌پردازد، فرد دوم باید ۷۵۰ واحد پولی مالیات بپردازد.

پیروان این اصل معتقدند که این عادلانه‌ترین روش تامین درآمد برای دولت از طریق مالیات است. آدام اسمیت اقتصاددان انگلیسی پیرو مکتب کلاسیک نیز چهار صفت برای مالیات‌ها پیش بینی کرده است:

۱- مقادیری که افراد به صورت مالیات به دولت می‌پردازند باید برابر باشد. منظور وی از برابری، برابری نسبت مالیاتی به درآمد افراد است (اصل مالیات نسبی).

۲- میزان مالیات باید معین باشد. به آنها که مالیات را جمع‌آوری می‌کنند نباید اجازه داده شود تا آنجا که ممکن است مالیات وصول کنند.

۳- جمع‌آوری و پرداخت مالیات باید راحت باشد.

۴- در جمع‌آوری و پرداخت جنبه اقتصادی باید رعایت گردد یعنی هزینه جمع‌آوری مالیات نباید بیشتر از کل مالیات جمع‌آوری شده باشد (مهندس و تقوی، ۱۳۸۸، ۱۲۳).

ویژگی های نظام مالیاتی کارآمد

۱- پرداختها در حد امکان با توان نسبی اشخاص حقیقی و حقوقی متناسب باشد، یعنی هریک از افراد با در نظر گرفتن کل درآمدشان، رقمی را بعنوان مالیات بپردازند.

۲- مقادیر مالیات قابل پرداخت، مشخص و قانونمند باشد و میزان پرداخت مالیات باید برای پرداخت کنندگان و سایر افراد قابل درک و مشخص باشد.

۳- زمان اخذ مالیات و روال دریافت آن به شیوه ای باشد که برای پرداخت کننده مالیات پایین ترین میزان فشار وارد آید و در عین حال حقوق دولت زایل نگردد.

۴- هزینه گردآوری مالیات تا حد امکان پایین نگه داشته شود و آنچه به صورت مالیات جمع‌آوری می‌شود بطور کامل در اختیار دولت و خزانه داری قرارگیرد.

ارزیابی نظام مالیاتی ایران

با توجه به اهمیت نظام مالیاتی و لزوم ارزیابی کارایی آن، شاخص های کمی متعددی تدوین شده است که نظام مالیاتی کشور ایران را با برخی از این شاخص ها مورد بررسی قرار داده تا توانمندی ها و ظرفیت های پنهان نظام مالیاتی کشورمان آشکار شود.

یکی از مهمترین این شاخص ها در این زمینه شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است. در کشورهای توسعه یافته درآمد مالیاتی یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت هاست و به طور کلی تکیه بر درآمدهای مالیاتی نشانه ای از سلامت اقتصادی کشورهاست. با بررسی این شاخص در فاصله سالهای ۸۰ تا ۸۶ که در بازه ۵/۵ درصد تا ۷/۳ درصد در نوسان است، می توان به ظرفیت های کشور در این بخش پی برد. مطالعات نشان می دهد ظرفیت اقتصادی کشور رقمی بالاتر از این اعداد است. نکته ای که رئیس کل سازمان مالیاتی کشور نیز بر آن تأکید دارد و از ظرفیت ۱۲ تا ۱۵ درصدی در اقتصاد ایران سخن گفته است. البته در این میان نکته قابل توجه در بررسی و مقایسه این شاخص، تعریف درآمد مالیاتی در کشورمان و تفاوت آن با تعریف جهانی است چراکه در ایران سهم بیمه های پرداختی به تأمین اجتماعی، کسورات صندوق های بازنشستگی و عوارض پرداختی، در تعریف مالیات قرار نمی گیرند که با لحاظ این موارد به رقمی بیش از ۱۲ درصد می رسیم. مقایسه این رقم با ارقام مشابه در کشورهای همبرده ایران نشان می دهد با تغییر در تعریف شاخص، وضعیت ایران بهبود چشمگیری پیدا می کند که این امر نشانگر سهم بالای بیمه های تأمین اجتماعی در ایران است. که با کنار گذاشتن آن، این نسبت به شدت کاهش می یابد. از همین رو مشخص است هر چند این نسبت در اقتصاد کشورمان پایین است، اما مردم ایران در ارقام پرداختی با دیگر کشورها تفاوت چندانی ندارند.

از دیگر شاخص ها، سهم درآمد مالیاتی از بودجه دولت است. یکی از مهم ترین نقش هایی که برای مالیات تعریف می شود، تأمین هزینه های جاری دولت است تا از این طریق، دولت از درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بی نیاز شود. به این ترتیب مردم بیش از پیش در حاکمیت شریک می شوند و البته در مقابل، نظارت قوی تری نیز بر کار دولت ها خواهند داشت. بررسی این شاخص در کشور ایران حکایت از وضعیت نه چندان مطلوب دارد. در این بخش در فاصله سالهای ۸۰ تا ۸۷ این نسبت در بهترین شرایط به ۴۵/۵ درصد در سال ۸۶ رسیده است و حتی رقم ۳۴/۳ درصد را نیز در این مدت تجربه کرده است. هر چند بخشی از این درصد پایین، به مشکلات ساختاری نظام مالیاتی ایران باز می گردد، اما بخشی از آن نیز افزایش بهای نفت و در نتیجه درآمدهای نفتی دولت و بخشی دیگر به افزایش نسبی هزینه های دولت باز می گردد.

در کنار این شاخص ها، می توان به شاخص هزینه های وصول مالیات نیز اشاره کرد که به طور مستقیم کارایی نظام مالیاتی را به نمایش می گذارد. در حالی که این رقم در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته جهان پایین تر از ۱ درصد است، در گزارشی که

در مرداد ماه سال ۸۷ از سوی کارگروه طرح تحول اقتصادی ارائه شد، این رقم در فاصله سال های ۸۰ تا ۸۶ در کشور ایران از ۱/۶ تا ۲/۴ درصد در نوسان بوده است که نشان از هزینه های بالای وصول مالیات در کشورمان دارد.

مشکلات فعلی نظام مالیاتی ایران

- ۱- سهم اندک درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی
- ۲- سهم اندک درآمدهای مالیاتی در تأمین هزینه های دولت
- ۳- سهم اندک پایه مالیات بر ثروت با وجود نقل و انتقالات گسترده داراییها در طول سال
- ۴- بالا بودن نسبت هزینه های جمع آوری به نسبت درآمدهای وصولی
- ۵- سهم اندک شرکتهای غیر دولتی در درآمدهای مالیاتی دولت در مقایسه با شرکتهای دولتی.

معرفی سازمان مالیاتی کشور

سازمان مالیاتی کشور ایران در سال ۱۳۸۰ براساس مفاد بند الف ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی واجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به منظورافزایش کارایی نظام مالیاتی و رفع موانع سازمانی موجود وهمچنین تمرکز کلیه امور مربوط به اخذ مالیات زیر نظر وزیر امور اقتصادی و دارائی ایجاد گردید و کلیه اختیارات، وظایف، کارکنان، امکانات وتجهیزات موجود وزارت امور اقتصادی و دارایی که درمعاونت درآمدهای مالیاتی به کار گرفته می شوند، به این سازمان منتقل شد و پیرو آن در سال ۱۳۸۲ ادارات کل امورمالیاتی استانها تشکیل گردیدند.

اهداف دولت از وصول مالیات

دولتها معمولاً با سه هدف مبادرت به اخذ مالیات می نمایند:

- ۱- مالیات به عنوان درآمدی برای پوشش دادن هزینه های دولت: به موجب این اصل که مردم در درآمد های دولتی سهیم اند، دولت وظیفه دارد تا سطح زندگی مناسبی برای همه افراد ایجاد نماید و حداقل نیازهای اولیه آنها را رفع نماید. منظور از نیازهای اولیه، خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده است.

منظور از تأمین نیازهای اولیه مردم به وسیله دولت این است که حرکت اقتصادی جامعه، توزیع درآمد ها، ایجاد امکانات شغلی وبرنامه ریزی های اقتصادی به سمتی برود که با کار فعال و خلاق خود انسانها این نیازها تامین شود بنابراین اصل بیست و پنجم قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکار افتادگی، بی سرپرستی، درراه

ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم و خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

بنابراین سی ام قانون اساسی دولت موظف است که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

وظیفه دولت ایجاد امنیت و آرامش است که مردم هیچگونه هراس و بیمی نسبت به تهدیدات حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته باشند. یکی از زمینه های حفظ امنیت، تقویت بنیه دفاع ملی به منظور مقابله با هر گونه تجاوز خارجی است که هزینه های آن باید توسط دولت تأمین شود.

۲- وصول مالیات گامی در جهت رفع نابرابریهای اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد: وصول مالیات براساس درآمد اشخاص می باشد پس اشخاصی که درآمد بیشتری دارند، مالیات بیشتری می گیرند و به خزانه دولت واریز می شود و از آنجا به بخشهایی چون صنعت و کشاورزی و غیره اختصاص می یابد. این عمل دوتاثیر دارد، یک تأثیر آن این است که به کمک مالیاتهای وصول شده، امکانات رفاهی وزیر بنایی در جامعه ایجاد می گردد. تأثیر مالیاتها بر کاهش فقر و نابرابریها این است که وقتی مالیاتها وصول می شود قسمتی از آن صرف امور چون تأسیس مدارس و آموزش رایگان برای همه افراد جامعه شده از جمله افرادی که از نظر درآمدی امکان تحصیل در صورت رایگان نبودن را نخواهند داشت.

مالیات یکی از اجزای مهم سیاستهای دولت در بهبود توزیع درآمد است و تمامی مالیاتها دارای اثر درآمدی بوده و به نحوی در توزیع درآمد افراد تأثیر دارند. بطور مثال یکی از مالیات های مؤثر بر توزیع درآمد که قادر است نابرابری را کاهش دهد، مالیات بر درآمد اتفاقی اشخاص است. باید توجه داشت هرچه نرخ این نوع مالیات بیشتر باشد تأثیر آن در توزیع درآمد بیشتر خواهد بود. اما اگر نرخ نهایی مالیات بسیار بالا باشد، به علت تأثیر نامساعد این نوع مالیات نه تنها توزیع درآمد بهبود نمی یابد بلکه نابرابری را نیز افزایش می دهد علاوه بر مالیات بر درآمد اتفاقی سایر مالیات های مستقیم، مانند مالیات بر حق تمبر، نقل و انتقال املاک و حق امتیاز و حق کسب و پیشه و مالیات بر ارث می تواند در کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی ایفا کند.

۳- رابطه مالیات با سیاست گذاری اقتصادی در مالیه عمومی: برای تحقق هدف های اقتصادی هر یک از مالیات های مستقیم می توانند نقش داشته باشند. وقتی صنایع نوپای کشور می توانند پیشرفت کنند و جای صنایع خارجی را بگیرند که دولت در اوایل تأسیس آنها را حمایت نموده و آنها را از گزند رقابت صنایع خارجی در امان نگهدارد (اعمال معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم)^۱ در اینصورت دولت میتواند از طریق هردونوع مالیات این نیت را عملی کند اول این که از طریق مالیاتهای غیر مستقیم به کلیه کالاهای خارجی که مشابه آن در داخل تولید می شوند حقوق و عوارض سنگینی ببندد در نتیجه قیمت

آنها گران شده و بعلت عدم استقبال مردم، دیگر به کشور وارد نشوند و در مقابل صنایع داخلی را مادامی که قدرت کافی بدست نیاورده و محصولاتشان قدرت رقابت با کالاهای خارجی را ندارد از پرداخت مالیاتهای مستقیم معاف نماید، و به این طریق از آنها حمایت لازم رابه عمل نماید.

هدف دیگر دولت جلوگیری از افزایش تورم است که دولت قدرت خرید مردم را در جامعه از طریق کاهش حجم پول در گردش، پایین آورد در این شرایط مالیاتهای مستقیم قادرند که مقداری از درآمد افراد را اخذ نموده واز تقاضای اضافی در جامعه بکاهند که خود وسیله مناسبی برای جلوگیری از افزایش بی رویه قیمتها می باشد. هدف دیگر اقتصادی دولت کنترل مصارف غیر ضروری است برای جلوگیری از مصارف غیر ضروری و کالاهای لوکس و تجملی که موجب زیانهای برای جامعه می باشد دولت می تواند از مالیاتهای غیر مستقیم استفاده نماید تا موجب گرانی قیمت این کالاها شده در نتیجه به دو هدف اساسی تحقق بخشد، اول اینکه گران کردن قیمت این نوع کالاها از مصارف غیر ضروری جلوگیری می کند و دوم اینکه از این طریق می تواند از کسانی که دارای ثروت زیاد بوده و همواره از پرداخت مالیات خودداری می کرده اند مقداری مالیات دریافت کند.

طبقه بندی مالیات ها در ایران

در یک طبقه بندی کلی مالیات ها را به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می کنند.

مالیاتهای مستقیم

مالیاتهای مستقیم مالیات هایی هستند که به طور مستقیم از درآمد، دارایی و سود اشخاص حقیقی یا حقوقی وصول می شود. بنابراین اولاً پرداخت کننده آن معلوم است، لذا این امکان وجود دارد که از اشخاص (حقیقی یا حقوقی) که از درآمد و دارایی بیشتری برخوردارند مالیات بیشتری گرفته شود. ثانیاً پرداخت کننده می داند که چه قدر مالیات می پردازد. مالیاتهای مستقیم خودبه دو دسته مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی تقسیم شده است.

انواع مالیات بر درآمد

۱- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی: طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم جمع درآمد شرکتها و درآمد ناشی از فعالیتهای انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می شود پس از وضع زیانهای حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیههای مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد مشمول مالیات به نرخ ۲۵٪ خواهند بود.

درآمد مشمول مالیات این نوع مؤدیان از طریق رسیدگی به دفاتر قانونی تشخیص می گردد . اشخاص حقوقی مکلف اند اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد ومدارک خود را حداکثر تا ۴ ماه پس از سال مالیاتی همراه با

فهرست هویت شرکاء و سهامداران و حسب مورد میزان سهم الشرکه یا تعداد سهام و نشانی هریک از آنها را به اداره امور مالیاتی که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی که در آن واقع است تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند (ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم).^۱

۲- مالیات بردرآمد مشاغل: طبق ماده ۹۳ قانون مالیاتهای مستقیم درآمدهای شخصی حقیقی از طریق اشتغال به مشاغل درایران تحصیل کند پس از کسر معافیت های مقرر مشمول مالیات بر درآمد مشاغل می باشد. اینگونه مؤدیان مکلف اند اظهار نامه مالیاتی مربوط به فعالیت های شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه ای که به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد تنظیم و تا آخر تیر ماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۱ این قانون پرداخت نمایند (ماده ۱۰۰ قانون مالیاتهای مستقیم).^۲

۳- مالیات بر درآمد حقوق: درآمدهای شخصی حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیر نقد تحصیل می کند مشمول مالیات بر درآمد حقوق است (ماده ۸۲ قانون مالیاتهای مستقیم).^۳

درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد، یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و غیر مستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون (ماده ۸۳ قانون مالیاتهای مستقیم).^۴

۴- مالیات بردرآمد املاک: درآمد شخصی حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد املاک می باشد (ماده ۵۲ قانون مالیاتهای مستقیم).^۵

درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره و گذار می گردد عبارت است از کل مال الا جاره، اعم از نقدی و غیر نقدی، پس از کسر ۲۵ درصد بابت هزینه ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره (ماده ۵۳ قانون مالیاتهای مستقیم).^۶

نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ ۵٪ و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ ۲٪ در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق مشمول مالیات می باشد (ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم).^۱

۵- مالیات بر درآمد اتفاقی: طبق ماده ۱۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم درآمد نقدی و یا غیر نقدی که شخص حقیقی یا حقوقی به صورت بلاعوض و یا از طریق معاملات محاباتی و یا به عنوان جایزه و یا هر عنوان دیگر از این قبیل تحصیل می نماید مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود.

انواع مالیات بر دارایی (ثروت)

۱- مالیات بر ارث: هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند مشمول مالیات بر ارث خواهد بود (ماده ۱۷ قانون مالیاتهای مستقیم)^۲.

اموال مشمول مالیات بر ارث عبارتند از کلیه ماترک متوفی واقع در ایران یا خارج از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادات و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی (ماده ۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم)^۳

۲- مالیات بر حق تمبر: مالیات این بند به شرح مواد ۴۴ لغایت ۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم به نرخ های متفاوت با توجه به موضوع قابل مطالبه می باشد .

۱- مالیات سالانه املاک

۲- مالیات مستغلات مسکونی خالی

۳- مالیات بر اراضی بایر

قابل ذکر است به موجب اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم در مورخه ۸۰/۱۱/۲۷ سه مورد اخیر از قانون مالیاتها حذف گردیده است.

مالیات های غیر مستقیم

مالیات غیر مستقیم مالیاتی است که با واسطه و به طور غیر مستقیم از اصل درآمد شهروندان گرفته می شود. مالیات های غیرمستقیم را می توان به دو دسته زیر تقسیم بندی کرد.

۱- مالیات بر واردات

دولتها معمولاً به دلایلی اعم از حمایت از محصولات داخلی کشور، جلوگیری از ورود کالاهای غیر ضروری، افزایش درآمد دولت و غیره اقدام به اعمال مالیات بر واردات می نمایند .

۲- مالیات بر کالاهای و خدمات یا مالیات بر معاملات که شامل موارد زیر می باشد :

الف- مالیات عمومی فروش

دولت میتواند در مراحل مختلف فروش اقدام به اخذ مالیات نماید که مراحل آن بدین قرار است :

- مالیات بر فروش در مرحله تولید
- مالیات بر فروش در مرحله توزیع

• مالیات بر فروش در مراحل مختلف تولید و توزیع

ب - مالیات بروارد کنندگان و صاحبان صنایع

این نوع مالیات به مالیاتهای فروش یک مرحله ای معروف است و بخش های اقتصادی در حال رشد را تشویق می کند و با حذف مالیات برتولید موادغذایی ازتحمیل بارمالیات بر طبقات و اقشار آسیب پذیر جلوگیری می نماید .

ج - مالیات بر عمده فروشی و خرده فروشی

این نوع مالیات براساس فروشهای انجام شده به خرده فروشان وضع می گردد و به آخرین نظام توزیع یعنی بر مصرف کنندگان وضع می شود ودرنتیجه تمام ارزش افزوده مراحل تولید و توزیع را شامل می شود.

د-مالیات بر ارزش افزوده

در این نوع مالیات، مالیات ها عادلانه تر و براساس مالیات برمصرف خواهد بود (موسی زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۰).^۱

مقایسه مالیات مستقیم و غیر مستقیم

۱-عادلانه بودن مالیات های مستقیم: در مالیات های مستقیم ازآنجاکه پرداخت کننده مالیات مشخص و براساس قدرت پرداخت افراد وضع می گردد لذا از عدالت بالاتری نسبت به مالیات های غیر مستقیم که بدون توجه به توانایی پرداخت کننده و فقط به نسبت مصرف دریافت می شود، می باشد.

۲-سهولت پرداخت: از آنجا که مالیات های غیر مستقیم در موقع خرید کالاهای مختلف در طول سال و به تدریج پرداخت می شود، لذا سنگینی آن کمتراحساس می شود، در حالیکه اگر همین مبالغ را به طور یکجا به عنوان مالیاتهای مستقیم از مؤدی دریافت شود کاملاً محسوس بوده و پرداخت آن با دشواری همراه می باشد.

۳-سرعت وصول: یکی از ویژگی های مثبت مالیات در مالیات های غیرمستقیم، سرعت وصول می باشد.

چرا که این مالیات در موقع خرید توسط مردم پرداخت می شود.

۱-هزینه وصول: با توجه به انواع مالیات های غیرمستقیم هزینه وصول آنها نسبت به مالیات های مستقیم پایین تر می باشد.

۲-اثرات اجتماعی و اقتصادی: با توجه به سهولت وضع مالیات درمالیات های غیرمستقیم می توان مصرف کالاهای مضر (از جمله سیگار و نوشابه) را کاهش داد.

۳-اثرات تورمی: اخذ مالیاتهای غیرمستقیم به دلیل اعمال در موقع خرید کالا باعث افزایش قیمت کالاها می شود.

مراحل مالیات از شروع تا زمان قطعی شدن

شناسایی مؤدی

نخستین وظیفه مأموران مالیاتی تهیه فهرست اسامی مؤدیان هر یک از منابع مالیاتها است. این فهرست ها را باید بر حسب نام و نام خانوادگی، مناطق جغرافیایی و غیره مرتب و آخرین تغییرات را در آنها وارد نمود. شناسایی اشخاص حقیقی بیشتر براساس مراجعه به مناطق جغرافیایی محدوده تحت سرپرستی مأمور مالیاتی مربوطه و در مورد اشخاص حقوقی از طریق فهرست ارسالی از سوی اداره ثبت شرکتها و غیره می باشد.

مأموران تشخیص مالیاتی عبارتند از: رئیس اداره امور مالیاتی، رئیس گروه مالیاتی، کارشناس ارشد مالیاتی و کارشناس مالیاتی.

وظائف و مسئولیت مأموران تشخیص منحصرأ در واحد مالیاتی است که در آن واحد به خدمت منصوب شده اند. واحد مالیاتی از طرف سازمان مالیاتی کشور تعیین خواهد شد و بنابر اقتضای کار تحت نظر هر کارشناس ارشد مالیاتی یک یا چند نفر کارشناس مالیاتی قرار خواهد گرفت. کارشناس مالیاتی تحت نظر کارشناس ارشد مالیاتی و برطبق تعلیمات او وظائف محوله را به موقع اجرا خواهد گذاشت و از جهت تشخیص درآمد و مالیات مسئول اقدامات خود در حدود قانون و وظایف محوله می باشد. مسئولیت کارشناسان مالیاتی رافع مسئولیت قانونی کارشناس ارشد مالیاتی نخواهد بود. برای یک یا چند واحد مالیاتی یک رئیس اداره امور مالیاتی تعیین می شود که علاوه بر اجرای وظایفی که به موجب قانون مالیاتهای مستقیم به عهده دارد بر کار کارشناسان ارشد مالیاتی و کارشناسان مالیاتی نظارت خواهد نمود و برای هر چند واحد رئیس گروه مالیاتی یک رئیس اداره امور مالیاتی تعیین می شود که علاوه بر اجرای وظایفی که اختصاصاً به موجب قانون فوق الذکر به عهده اوست به طرز کار کلیه مأمورین واحد خود نظارت نموده و مسئول حسن اجرای قانون در واحدها و قسمت های مربوط خواهد بود. کارشناسان ارشد مالیاتی طبق مقررات قانون مالیاتهای مستقیم به اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیمی مؤدی رسیدگی و آن را قبول یا رد خواهند نمود (ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم)^۱

عوامل تشخیص مالیات

عوامل تشخیص مالیات به دسته های زیر تقسیم می گردد:

- ۱- مآخذ و مبنای مالیات: عین شی یا موضوعی است که مالیات طبق شرایطی به آن تعلق می گیرد. به عبارت دیگر مبنای مالیات، عامل، متغیر یا هر مفهوم دیگری است که مالیات بر آن بر طبق قانون وضع می شود. صاحب نظر دیگری مآخذ مالیات را اینگونه بیان می کند: یک واحد ارزش یا امتیاز یا مالی که مالیات بر آن بسته و عایدی مالیاتی از روی آن محاسبه می گردد.

۲- نرخ مالیات: درصدی از مآخذ مالیات است که مبنای محاسبات مالیات مورد نظر قرار می گیرد. به عبارت دیگر نرخ مالیات در هر مبنای اندازه اخذ مالیات را با توجه به قوانین و آیین نامه های مالیاتی دولت ها در مبنای مورد نظر نشان می دهد. مالیات-هایی که پرداخت کننده آن مشخص و معین نبوده و تحقق مالیات بستگی به یک قسمت از فعالیت های اقتصادی و عملیات افراد داشته و قابلیت انتقال آن ها بسیار زیاد باشد، مالیات های غیر مستقیم نامیده می شود. به عبارت دیگر مالیات هایی که به طور غیر مستقیم بر کالای مصرفی اشخاص وضع شده و از مصرف کنندگان وصول می شود (رنگریز و خورشیدی، ۱۳۸۳، ۳۰).

موارد تشخیص علی الرأس درآمدهای مشمول مالیات

۱- عدم تسلیم اظهارنامه و حساب سود و زیان یا حساب درآمد و هزینه و حساب سود زیان حسب مورد تا موعد مقرر برای دارندگان دفاتر قانونی تا پایان تیر ماه سال بعد و برای سایر مشمولان این فصل تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد (بند یک ماده ۹۷ ق.م.م)

۲- خودداری از ارائه دفاتر یا مدارک حساب در محل کار توسط مودی. چنانچه مودی از ارائه قسمتی از مدارک حساب خودداری نماید، اگر این اسناد مربوط به هزینه باشد از احتساب آن جزء هزینه های قابل قبول خودداری می شود و در صورتی که مربوط به درآمد باشد، درآمد مشمول مالیات این قسمت از طریق علی الرأس تعیین خواهد شد (بند ۲ ماده ۹۷ ق.م.م)

۳- غیرقابل رسیدگی بودن دفاتر اسناد و مدارک به نظر اداره امور مالیاتی

۴- قابل قبول نبودن اسناد و مدارک به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین نامه های مربوط تایید هیات سه نفره منتخب رئیس کل سازمان امور مالیاتی (بند ۳ ماده ۹۷ ق.م.م)

تشخیص مالیات توسط کارشناس ارشد مالیاتی

بعد از اقدام مؤدی به تسلیم اظهار نامه مالیاتی در موعد مقرر، گام بعدی رسیدگی و تشخیص مالیات توسط کارشناس ارشد مالیاتی مربوطه با توجه به اظهار نامه تسلیمی، تحقیقات و بررسی های صورت گرفته از حجم فعالیت های مؤدی، اسناد و مدارک ارائه شده توسط مؤدی و همچنین مستندات واصله از اشخاص ثالث می باشد.

بررسی و تأیید مالیات تشخیصی توسط رئیس گروه مالیاتی

پس از تعیین مالیات توسط کارشناس ارشد مالیاتی گزارش رسیدگی مالیات به انضمام مستندات مربوطه برای تأیید نهایی به رئیس گروه مالیاتی ارجاع می شود. رئیس گروه مالیاتی مربوطه نیز پس از بررسی پرونده مالیاتی در صورت نیاز تعدیلات لازم را صورت داده و پرونده جهت صدور برگ تشخیص به کارشناس ارشد مالیاتی فرستاده می شود.

ابلاغ برگ تشخیص به مؤدی مالیاتی

در این مرحله برگ تشخیص مالیات صادره به مؤدی ابلاغ می شود، چنانچه مؤدی نسبت به مندرجات آن معترض باشد می تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا به وسیله وکیل تام الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید در مواردی که مؤدی ظرف سی روز کتباً اعتراض ننماید و یا در مهلت مقرر در ماده مذکور به اداره مالیاتی مربوطه مراجعه نکنند درآمد تعیین شده در برگ تشخیص مالیات قطعی است (ماده ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم)^۱

بررسی پرونده توسط رئیس امور مالیاتی

در صورت اعتراض مؤدی ظرف مهلت مقرر (سی روز پس از ابلاغ برگ تشخیص مالیات) پرونده جهت بررسی به رئیس امور مالیاتی مربوط ارسال می گردد و وی مکلف است ظرف مهلتی که بیش از سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی و در صورتیکه دلایل و اسناد و مدارک ابراز شده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست، آن را رد و مراتب ظهر برگ تشخیص درج و امضاء نماید و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک را مؤثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد و نظر او مورد قبول مؤدی قرار گیرد، مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس و به امضاء وی و مؤدی خواهد رسید و هرگاه دلایل و اسناد و مدارک ابرازی مؤدی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد مؤثر تشخیص ندهد باید مراتب را مستنداً در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده امر را برای رسیدگی به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید (ماده ۲۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم)^۲.

رسیدگی به اعتراض مؤدی در هیأت بدوی حل اختلاف مالیاتی

در صورت عدم رفع اختلاف بین مؤدی و رئیس امور مالیاتی و یا در مواردی که به علت عدم حضور مؤدی و بستگان وی و یا استنکاف آنان از دریافت برگ تشخیص، برگ تشخیص ابلاغ قانونی می گردد پرونده به هیأت حل اختلاف مالیاتی ارجاع می گردد و هیأت مذکور پس از بررسی پرونده و دریافت مستندات از مؤدی اقدام به صدور رأی می کند. طبق تبصره ماده ۲۴۶

قانون مالیاتهای مستقیم عدم حضور مؤدی یا نماینده وی مانع از صدور رأی نمی باشد. آرای هیأت حل اختلاف مالیاتی بدوی قطعی و لازم الاجراء است، مگر این که ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی، مورد اعتراض مؤدی (یا مأمور تشخیص مالیات) قرار گیرد که در این صورت پرونده جهت رسیدگی مجدد به هیأت حل اختلاف مالیاتی دیگری (تجدید نظر) احاله خواهد شد.

رسیدگی به اعتراض مؤدی در هیأت حل اختلاف تجدید نظر

در صورت اعتراض مؤدی به رأی هیأت بدوی حل اختلاف مالیاتی، پرونده جهت رسیدگی به هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر ارسال می شود. آراء صادره توسط این هیأت قطعی و لازم الاجراء است.

رسیدگی پرونده در شورای عالی مالیاتی

بر اساس ماده ۲۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم مؤدی یا اداره امور مالیاتی می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی هیأت حل اختلاف مالیاتی به استناد عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقص رسیدگی، با اعلام دلایل کافی به شورای عالی مالیاتی شکایت و نقض رأی و تجدید رسیدگی را درخواست کنند. بر اساس ماده ۲۵۶ قانون مالیاتهای مستقیم پس از وصول شکایت مؤدی یا اداره امور مالیاتی توسط شورای عالی مالیاتی، رئیس این شورا شکایت را جهت رسیدگی به یکی از شعب مربوط ارجاع خواهد نمود. شعبه مذکور موظف است بدون ورود به ماهیت امر صرفاً از لحاظ رعایت تشریفات و کامل بودن رسیدگی های قانونی و مطابقت مورد با قوانین و مقررات موضوعه به موضوع رسیدگی و مستنداً به جهات و اسباب و دلایل قانونی رأی مقتضی بر نقض آرای هیأت حل اختلاف مالیاتی و یا رد شکایت مزبور صادر نماید، رأی شعبه با اکثریت مناط اعتبار است.

بر اساس تبصره ۶ ماده ۲۴۷ (ماده واحده الحاقی) در مواردی که شکایت مؤدیان مالیاتی از آرای هیأت های بدوی از طرف هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر رد شود و همچنین شکایت از آرای هیأت های تجدید نظر از طرف شورای عالی مالیاتی مردود اعلام شود، برای هر مرحله معادل ۱٪ تفاوت مالیات موضوع رأی مورد شکایت و مالیات ابرازی مؤدی در اظهارنامه تسلیمی در اظهارنامه مالیاتی تسلیمی، هزینه رسیدگی تعلق می گیرد که مؤدی مکلف به پرداخت آن خواهد بود.

هیأت ماده ۲۵۱ مکرر

بر اساس مفاد ماده مذکور در مورد مالیاتهای قطعی که در مرجع دیگری قابل طرح نباشد و به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات مستنداً به مدارک و دلایل کافی از طرف مؤدی شکایت و تقاضای تجدید رسیدگی شود وزیر امور اقتصادی و دارایی می تواند

پرونده امر را به هیأتی مرکب از سه نفر به انتخاب خود جهت رسیدگی ارجاع نماید. رأی هیأت به اکثریت آراء قطعی و لازم الاجراء می باشد.

رسیدگی پرونده در دیوان عدالت اداری

این مرجع محل رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به عدم اجرای قوانین توسط مأمورین و دستگاههای دولتی (از جمله سازمان مالیاتی کشور) می باشد.

وصول مالیات

بر اساس مفاد ماده ۲۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم هر گاه مؤدی مالیات قطعی خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید اداره امور مالیاتی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می کند ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ کلیه بدهی خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی بدهد. طبق مفاد ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم مرجع رسیدگی به شکایات ناشی از اقدامات اجرایی راجع به مطالبات دولت از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی که طبق مقررات اجرایی مالیاتها قابل وصول می باشد هیأت حل اختلاف مالیاتی خواهد بود. به شکایات مزبور به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و رأی صادر خواهد شد. رأی صادره قطعی و لازم الاجرا است.

در مورد مالیاتهای مستقیم در صورتی که شکایت حاکی از این باشد که وصول مالیات قبل از قطعیت، به موقع اجرا گذارده شده است هرگاه هیأت حل اختلاف مالیاتی شکایت را وارد دانست ضمن صدور رأی به بطلان اجرائیه حسب مورد قرار رسیدگی و اقدام لازم صادر یا نسبت به درآمد مشمول مالیات مؤدی رسیدگی و رأی صادر خواهد کرد. رأی صادره از هیأت حل اختلاف قطعی است.

در مورد مالیاتهای غیر مستقیم هرگاه شکایت حاکی از این جهت باشد که مطالبه مالیات قانونی نیست مرجع رسیدگی به این شکایت نیز هیأت حل اختلاف مالیاتی خواهد بود و رأی هیأت مزبور در این باره قطعی و لازم الاجراء است.

تمکین مالیاتی

معمولاً آن چه در تعریف تمکین مالیاتی گفته می شود عبارت است از رعایت قانون مالیاتی ازسوی مؤدی. میزان عدم تمکین را با شکاف مالیاتی اندازه گیری می کنند. شکاف مالیاتی عبارت است از مالیات عملاً وصول شده منهای مالیاتی که در صورت تمکین کامل قابل تحصیل می باشد. این تعریف یک بیان ساده و سطحی از مسئله را ارائه می دهد. اداره موفق امور مالیاتی

مستلزم آن است که مؤدیان به رعایت خشک عبارات قانون اکتفا نکنند، بلکه روح قانون را نیز موردتوجه قرار دهند. با این توضیحات تعریف بهتر تمکین مالیاتی عبارت است از پایبندی به متن و روح قانون مالیاتی.

علت نپرداختن مالیات

بعضی از دلایل عدم تمایل اشخاص به پرداخت مالیات به شرح زیر می باشد:

۱- برخی براین باوراند که علت فرار از پرداخت مالیات را باید در عدم شناخت اهمیت و ضرورت مالیات جستجو کرد پس اگر شناخت کافی و وافی از مالیات داشته باشند رفتاری بهتر و معمول ترنسبت به آن خواهند داشت.

۲- برخی را عقیده بر این است که چون بعد از حکومت حضرت علی(ع) همه حکومت ها، حکومت ظلم جور بوده و پرداخت مالیات کمک به تحکیم آن حکومتها تلقی می شده ومراجع عظام و علمای دین مردم را از دادن مالیات نهی می کردند. لذا انگیزه فرار مالیات به صورت یک امر دینی در آمده و با سایرامور شرعی گره خورده و به شکل نوعی خصلت و طبیعت ثانوی یا عادت درآمده است.

۳- عده ای می گویند چون مکانیزم های بایسته و درستی در اقتصاد کشور تعبیه نشده و امکان ردیابی و شناسایی و تثبیت در آمده ها و مقاطع ایجاد آنها وجود ندارد، لذا کتمان درآمد واقعی وبه تبع آن فرار از پرداخت مالیات برای صاحبان درآمدهای سرشار به راحتی میسر است.

۴- دسته ای دیگر وجود نرخ های بالای مالیاتی را انگیزه فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات می دانند.

به عقیده این دسته به علت نرخ های نهایی بالا، افراد درجهت کتمان معاملاتی که درآمد زیادی برای آنها ایجاد می کند تحریک می شوند. این فعالیت ها به دوصورت انجام می شود شکل اول این است که معاملات به صورت پایاپای انجام می گیرد و پولی رد و بدل نمی شود و در جایی نیز ثبت نمی شود تا امکان رد یابی آن برای مأموران تشخیص وجود نداشته باشد و شکل دوم بدین نحو است که مؤدیانی که به صورت مقطعی فعالیت خاصی را انجام می دهند به سادگی ازگزارش آن به مأموران تشخیص مالیات طفره می روند.

۵- دسته ای از دست اندرکاران، تقابل وعدم تفاهم واعتماد فی مابین مأموران تشخیص ومؤدیان مالیاتی را علت اصلی فرارازمالیات می دانند.

مؤدیان مالیاتی براین باوراند که حتی اگر درآمدهای واقعی خود را در دفاتر ثبت و اسناد و مدارک مربوط به آن را مطابق با واقع تنظیم و تحریر نمایند و درآمد مشمول مالیات واقعی را در اظهارنامه مالیاتی ابراز دارند باز هم مورد قبول مأموران تشخیص مالیات قرار نخواهند گرفت و آنان اصل را بر عدم صحت این اظهارات خواهند گذاشت و لذا سعی می کنند که دفاتر قانونی و اظهارنامه متکی به آن را طوری تنظیم کنند که مأموران تشخیص قادر به دست یابی به واقعیت امر نباشند و مالیات واقعی آنان را تشخیص ندهند و از طرفی مأموران تشخیص نیز عقیده دارند که مؤدیان مالیاتی اعتقادی به پرداخت مالیات ندارند و سعی در کتمان درآمد واقعی خود دارند و برای این کار دست به هر حيله ای می زنند و حتی گاهی برخی از آنان دفاتر مخصوصی برای ارائه به سازمان مالیاتی تنظیم می کنند. وقتی این بینش ها مدتها در طرفین ادامه یابد فرهنگ فرار از مالیات به جای فرهنگ پرداخت داوطلبانه مالیات ریشه می گیرد و در نتیجه درآوردن این ریشه به مدتها وقت نیاز دارد.

۶- عامل دیگر را می توان تبعیض در تشخیص مالیات برای مؤدیان دانست. در بسیاری از موارد مشاهده می شود که برای مؤدیان با درآمدهای تقریباً یکسان مالیاتی متفاوت تشخیص داده می شود که علت آن را می توان در عدم وجود مستندات کافی جهت تشخیص مالیات و عدم تخصص مأموران مالیاتی دانست.

تشویقات و تسهیلات مالیاتی

سازماندهی و اعمال مدیریت مطلوب بوسیله وزارتخانه ها و نهادهای مختلف برای اجرای هر چه بهتر وظایف محوله قانونی امری لازم و اجتناب ناپذیر است. در خصوص مالیاتهای مستقیم، قالب تشکیلات سازمانی و روشهای اجرایی مقررات و چگونگی ایجاد تسهیلات ضروری برای مؤدیان بمنظور جلب همکاری هرچه بیشتر آنها در قانون مالیاتهای مستقیم پیش بینی گردیده که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید با بکارگیری این قواعد و بهره جوئی از قانون و مقررات استخدام کشوری و دیگر روشهای شناخته شده اداری و تشکیلاتی و رعایت سایر مقررات، سیستمی برقرار نماید تا مؤدیان با ابراز حسن نیت و رغبت کامل و در عین حال با برخورداری از مناسبترین امکانات و تشویقات مالیاتی نسبت به ایفای وظایف قانونی خود در پرداخت مالیات ها اقدام کنند.

عمده تشویقات و تسهیلات مقرر در قانون مالیات های مستقیم بقرار زیر است:

۱- مأخذ ارزیابی املاک برای تعیین مالیات بر انواع دارائیها و ارث و مالیات نقل و انتقال قطعی املاک و مالیات بر درآمد اتفاقی، ارزش معاملاتی املاک است که هر سال بوسیله کمیسیون تقویم املاک تعیین می گردد. وجود ارزش معاملاتی مسئله اعمال نظر و سلیقه شخصی مأموران را در تشخیص مالیات منتفی می نماید.

۲- علاوه بر آنکه در قانون مذکور تقریباً تمامی نهادهای عمومی و انقلابی و موقوفات عام و موسسات مذهبی و عام المنفعه با شرط رعایت پاره ای مقررات از پرداخت مالیات معاف شناخته شده اند و معافیه های خاص دیگری هم بمنظور رعایت عدالت مالیاتی و توجه به توان پرداخت مؤدیان در فصول مختلف برقرار گردیده، طبق ماده ۱۷۲ آن قانون اجازه داده شده است که اگر مؤدیان وجوهی را به حسابهای تعیین شده از طرف دولت برای بازسازی و کمک و نظایر آنها پرداخت و یا به احداث و تعمیر و تجهیز مراکز آموزشی و بهداشتی و فرهنگی و هنری و غیره اقدام نمایند، وجوه پرداختی و یا مخارج اقدامات مذکور بر اساس ضوابط خاصی از درآمد مشمول مالیات آنان کسر گردد.

۳- قانون مذکور تا حد امکان وصول مالیات مضاعف از مؤدیان را (حتی در مواردی که مالیات به دولت خارج پرداخت شده باشد) منع و استرداد اضافه پرداختی را تجویز نموده است.

۴- مؤدیانی که مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند، چنانچه طی سه سال متوالی صورتهای مالی تسلیمی آنان مورد قبول قرار گرفته و مالیات هر سال را در سال تسلیم اظهارنامه بدون مراجعه به هیئت های حل اختلاف مالیاتی پرداخت کرده باشند، معادل نیم درصد اصل مالیات سه سال مذکور بعنوان جایزه خوش حساسی به آنان پرداخت و یا در حساب سنوات بعد آنان منظور خواهد شد.

۵- معادل یک درصد از مالیاتهای پرداختی مؤدیان در هر ماه قبل از سررسید مقرر بعنوان جایزه خوش حساسی از بدهی مالیاتی آنان کسر خواهد شد (رزاقی، ۱۳۸۸، ۲۷).^۱

۶- طبق تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون مالیاتهای مستقیم مؤدیانی که به تکالیف قانونی خود راجع به تسلیم به موقع اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت مالیات طبق اظهارنامه و حساب سود و زیان و حسب مورد ارائه به موقع دفاتر و اسناد و مدارک خود اقدام نموده اند، هرگاه برگ تشخیص مالیات صادره راقبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نمایند و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کنند از هشتاد درصد جرایم مقرر در این قانون معاف خواهند بود و همچنین در صورتی که این گونه مؤدیان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از چهل درصد جرایم متعلقه مقرر در این قانون معاف خواهند بود.

۷- براساس مفاد ماده ۱۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم تمامی یا قسمتی از جرایم مقرر در این قانون بنا به درخواست مؤدی با توجه به دلایل مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و خوش حساسی مؤدی به تشخیص و موافقت سازمان مالیاتی کشور قابل بخشوده شدن می باشد .

۸-طبق مفاد ماده ۱۶۷ قانون مالیاتهای مستقیم وزارت امور اقتصاد و دارایی یا سازمان امورمالیاتی کشور می تواند نسبت به مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه بطور یک جا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداکثر به مدت ۳سال تقسیط نماید.

مشکلات و ریشه ها در نظام مالیاتی

بررسی شواهد آماری موجود در نظام مالیاتی و مقایسه نسبی آن با سایر کشورها به خوبی نشان داد که شکافی میان وضعیت موجود نظام مالیاتی در اقتصاد ایران با شرایط مطلوب آن وجود دارد. این انحراف از شرایط بهینه، با شناسایی مشکلات حاکم در این نظام و ریشه های آن و سپس تلاش در جهت رفع هر یک، قابل حذف است. بدین ترتیب ضروری است به بررسی دقیق مشکلات حاکم در نظام مالیاتی پرداخته شود. اهم این مشکلات به صورت موارد زیر قابل ذکر است:

سهم اندک درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی

سهم اندک درآمدهای مالیاتی در تامین هزینه های دولت

سهم اندک پایه مالیات بر ثروت یا وجود نقل و انتقالات گسترده دارایی ها در طول سال

بالا بودن نسبت هزینه های جمع آوری به نسبت درآمدهای وصولی

سهم اندک شرکتهای غیر دولتی در درآمدهای مالیاتی دولت در مقایسه با شرکتهای دولتی.

موارد فوق را می توان نوعی نقصان در دستاوردهای نظام مالیاتی تلقی کرد، که باید از طریق راهکارهای عملیاتی مناسب حذف شوند. باید توجه داشت که به منظور رفع این نقایص که اصطلاحاً با عنوان "مشکلات حاکم در نظام مالیاتی" خوانده می شوند، باید علل پدیدآورنده آن پرداخته شود.

عمده ترین علل آن را می توان به صورت زیر برشمرد:

قوانین و مقررات ناهمسو

فرآیندهای غیر استاندارد

عدم استفاده از فن آوری های روز

ارتباط مستقیم بین ماموران مالیاتی و مودیان

فرار مالیاتی زیاد به خصوص در دهکهای بالای درآمدی جامعه و لاجرم تبعیض مالیات

نا همسویی یا عدم استفاده از اهرم مالیات برای کنترل اقتصاد

پایین بودن فرهنگ مالیاتی در جامعه

مجازات های مالیاتی

جرائم مالیاتی

طبق مفاد مواد ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۰، قانون مالیاتهای مستقیم پرداخت مالیات پس از موعد موجب تعلق جریمه ای ۲/۵٪ مالیات به ازای هر ماه خواهد بود، عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی توسط اشخاص حقوقی و برخی از مشاغل (موضوع بند الف وب ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم) موجب تعلق جریمه ای معادل ۴۰٪ مالیات متعلق شده و درمورد سایر اشخاص حقیقی معادل ۱۰٪ مالیات متعلق خواهد بود، همچنین نسبت به مؤدیانی که مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند در صورت عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان یا عدم ارائه دفاتر مشمول جریمه ای معادل بیست درصد مالیات برای هر یک از موارد مذکور و در مورد رد دفاتر مشمول جریمه ای معادل ده درصد مالیات خواهند بود. همچنین عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان در دوره معافیت موجب عدم استفاده از معافیت مقرر در سال مربوط خواهد شد. در مورد مؤدیانی که اظهارنامه خود را تسلیم می نمایند، نسبت به درآمد کتمان شده یا هزینه های غیر واقعی که غیر قابل قبول نیز باشد جریمه ای معادل ۴۰٪ اصل مالیات کتمان شده منظور می گردد.

عملیات اجرایی مالیاتی

ممنوع الخروجی کردن مؤدیان مالیاتی از کشور: طبق مفاد ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان مالیاتی کشور می تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون ریال بیشتر است جلوگیری نماید.

توقیف اموال مؤدیان مالیاتی : طبق مفاد ماده ۲۱۱ قانون مالیاتهای مستقیم هرگاه مؤدی پس از ابلاغ برگ اجرایی در موعد مقرر مالیات مورد مطالبه را کلاً پرداخت نکند یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی ندهد به اندازه بدهی مؤدی اعم از اصل و جرایم متعلق به اضافه ده درصد بدهی از اموال منقول و غیر منقول و مطالبات مؤدی توقیف خواهد شد.

صدور مفاسد حساب مالیاتی (تسویه حساب مالیاتی).

طبق مفاد ماده ۱۶۸ قانون مالیاتهای مستقیم صدور، تمدید یا تجدید کارت بازرگانی و پروانه کسب منوط به ارائه گواهی از اداره امور مالیاتی زیربنا مبنی بر پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده می باشد. همچنین اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص حقیقی و همچنین صاحبان مشاغل از طرف بانکها و سایر مؤسسات اعتباری منوط به اخذ گواهی های زیر خواهد بود:

۱- گواهی پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده.

۲- گواهی اداره امور مالیاتی مربوط مبنی بر وصول نسخه ای از صورتهای مالی ارائه شده به بانکها و سایر موسسات اعتباری. همچنین براساس مفاد ماده ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم در کلیه مواردی که معاملات به موجب اسناد رسمی صورت می گیرد صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلف اند قبل از ثبت یا اقاله یا فسخ سند معامله، مراتب را با شرح و مشخصات کامل و چگونگی نوع و موضوع معامله مورد نظر به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک و یا محل سکونت مؤدی اعلام و پس از کسب گواهی انجام معامله اقدام به ثبت یا اقاله یا فسخ سند معامله حسب مورد نماید.

تخصص و کارایی مأموران مالیاتی

تخصص مأموران مالیاتی باعث اجرای دقیق قوانین، بخشنامه ها، آئین نامه ها و دستورالعمل های صادره از طرف سازمان مالیاتی می شود و ضمن اجرای عدالت مالیاتی از سیر پرونده های مالیاتی در هیأت های حل اختلاف مالیاتی و نارضایتی مؤدیان مالیاتی جلوگیری می کند. بر این اساس طبق ماده ۹ آئین نامه اجرائی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم، کارشناس ارشد مسئول رسیدگی به پرونده مالیاتی از بین کارمندانی که مدرک تحصیلی آنها کارشناسی و بالاتر بوده و حداقل سه سال در شغل کارشناس مالیاتی تجربیات مالیاتی را کسب نموده و شایستگی های لازم را داشته باشد انتخاب می شود. همچنین بر اساس ماده ۲۱۷ قانون مالیاتهای مستقیم یک درصد از وصولی درآمدهای مالیاتی باید صرف آموزش و تربیت کارمندان در اداره امور مالیاتی و حسابرسی و غیره شود.

عدالت مالیاتی

دولت برای برقراری عدالت در اقتصاد نباید نیازی به نفت داشته باشد و باید برای تأمین درآمد خود مالیات وصول کند و اضافات آن را به نفع طبقات پایین هزینه کند. باید از فعالیت هایی که تولیدی نیست و حتی فعالیت تولیدی ناکارآمد اعم از خانه سازی ها، خرید و فروش ها، سفته بازی و دلال بازی که درآمد گزافی برای عده ای ایجاد کرده و به دلیل تأثیر در کاهش فعالیت های تولیدی و اقتصادی برای کل اقتصاد زیان آور است، مالیات بگیرد و اجازه انجام این فعالیت ها را ندهد. عدالت و شکوفایی اقتصادی از رهگذر دریافت عادلانه مالیات بوجود می آید. با ادامه روند کنونی فقرا، کارمندان و کم درآمدها با پرداخت مالیات به دولت احساس می کنند که در حق آنها اجحاف می شود، زیرا شاهدند عده ای که درآمد بالایی دارند از پرداخت

مالیات سر می زنند و دولت نیز در مقابل آنها نرمش نشان می دهد. لذا اصلاح ساختار نظام مالیاتی در جهت نیل به عدالت مالیاتی مهم بنظر می رسد.

سعی در اشاعه فرهنگ مالیاتی

برای حسن اجرای قانون اگرچه وجود ضمانت اجراء و مدیریت و سازماندهی مطلوب و رعایت اصول مالیاتی شرط لازم به حساب می آیند اما این شرایط کافی نخواهند بود، بلکه فرهنگ و بینش و اعتقاد مؤدیان و مأموران مالیاتی در انجام دقیق وظایف مالیاتی نقش بسزائی خواهد داشت. مأموران مالیاتی را باید در مواجهه با مؤدیان بتوانند در فکر و اندیشه آنان تأثیر بگذارند. مؤدیان نیز باید مستمراً از طریق مطبوعات و صدا و سیما و سایر رسانه های گروهی نسبت به انجام وظایف قانونی راهنمایی شوند، حتی اهمیت مالیات امروزه ایجاب می نماید که مباحثی از مالیات در دروس دبیرستانی دانش آموزان گنجانیده شود (رزاقی، ۱۳۸۸، ۲۹).^۱

تا مردم از سنین نوجوانی با این عنصر اجتماعی و اقتصادی آگاهی داشته و با مشاهده نتیجه سیاستهای مالی دولت با میل و رغبت بیشتری با مأموران مالیاتی همکاری نمایند اهمیت فرهنگ مالیاتی بخصوص در دهه اخیر مورد توجه وزارت امور اقتصادی و دارائی قرار گرفته و ضمن انتشار فصلنامه ای به نام "مالیات" که توسط دانشکده امور اقتصادی صورت می گیرد، بعضاً در حدود امکانات موجود اقدام به نشر آگهی ها و تبلیغات مالیاتی از طریق دفتر روابط عمومی و ارشاد نیز می نماید.

مشارکت مؤدیان مالیاتی در پرداخت مالیات

طراحی، برنامه ریزی و اجرای سیاست های مشارکت مؤدیان مالیاتی نیازمند توجه به الزامات و پیش شرطهایی است. به نظر می رسد دقت و عمل کردن به جای برخی از این الزامات در راهکارها می تواند به پیشرفتهای فزاینده ای در زمینه کیفیت بخشی به قوانین و مقررات، ارائه تسهیلات به مؤدیان مالیاتی و غیره که همگی در رسیدن به آن اتفاق نظر دارند منجر شود. یکی از موارد مهم در این زمینه بررسی و تدوین طرح جامع برنامه مشارکت مؤدیان مالیاتی می باشد. در حال حاضر به دلیل فقدان استراتژی کلان، سیاست مشارکت مؤدیان فاقد طرح جامع زمان بندی شده و مراحل اجرایی است در نتیجه وظایف بخشهای گوناگون و نیز نقش های متفاوت ستاد به درستی معلوم نیست، از سوی دیگر نبود این طرح جامع بررسی و نقد این سیاست را نیز به طور عملی ناممکن می سازد. در صورت استفاده از مشارکت مؤدیان مالیاتی، تأثیر مثبتی در تصمیم گیری ها و فعالیت ها بوجود خواهد آمد. مسئولیت پذیری مؤدیان، اعتماد به نفس داشتن کارکنان، بالا بردن عملکرد سازمان و خوشنودی بالای مؤدیان از جمله تأثیر مدیریت مشارکتی بر کارایی سازمان می باشد.

اهداف سیاستهای مالیاتی

در یک برداشت کلی از وظایف قابل انتظار از سیاستهای مالیاتی، حداقل سه مورد عمده قابل اشاره می باشد.

الف) نقش نظام مالیاتی در تامین هزینه های دولت:

یکی از وظایف مالیات، تامین هزینه های جاری دولت در وهله اول و سپس پشتیبانی از طرح های عمرانی است. اقتصاددانان در بحث تعادل بودجه به این نکته تاکید می کنند که وجود کسری بودجه مداوم، (یعنی فزونی مخارج بر دریافت های دولت) می تواند عواقب وخیمی را برای اقتصاد به وجود آورد. کسری بودجه با افزایش تقاضای بازار و نقدینگی در جامعه، زمینه بروز فشارهای تورمی را پدید می آورد. وجود کسری به ویژه در بودجه جاری مسئله آفرین است. زیرا در مقابل هزینه های جاری انجام شده، کالاهایی تولید نمی شود تا جوابگوی تقاضای اضافی به وجود آمده باشد. اما چنانچه دولت از پشتیبانی منابع مالی دست کم به اندازه تامین هزینه های جاری بهره مند باشد، تا حدود زیادی از بروز این عارضه جلوگیری کرده است. به همین دلیل است که مالیات ها در زمینه جلوگیری از کسری بودجه نقشی اساسی به عهده دارند.

ب) نقش نظام مالیاتی در توزیع مجدد درآمد و ثروت جامعه:

عملکرد نامناسب سیستم های اقتصادی، روابط متقابل عوامل اقتصادی را مختل و جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تفکیک نموده و نوعی ناهمگونی میان اقشار مختلف جامعه پدید آورده است. این عدم توازن اجتماعی در نظام های سرمایه داری و یا شبهه سرمایه داری به صورت حادثری ظاهر شد. این امر از طریق کمک های بلاعوض نقدی و غیرنقدی، پرداخت سوبسید و ارائه خدمات عمومی رایگان یا ارزان صورت می گیرد. منابع تامین مالی اینگونه تمهیدات ممکن است مالیات هایی باشد که به بهترین وجه خود از ثروتمندان جامعه اخذ می شود. پرداخت مالیات ها به وسیله اقشار پردرآمد و توزیع آن میان گروه های درآمدی پایین، می تواند شکاف درآمدی را میان این اقشار تا حدودی جبران کند.

ج) بررسی نقش مالیات ها در تخصیص منابع، تصحیح و تثبیت فعالیت های اقتصادی:

چیزی که اهمیت دارد این است که نمی بایست به پدیده مالیات فقط به عنوان یک منبع درآمدی برای دولت نگریست. مالیات یکی از اهرم های سیاست مالی دولت جهت تخصیص منابع، تصحیح و تثبیت فعالیت های اقتصادی است. به عنوان مثال امر توزیع عادلانه درآمدها، تامین قسط و عدل در جامعه از جمله مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار گرفته است. مالیات ها یکی از ابزار مالیاتی تاثیر بسزایی در شکل گیری فعالیت های اقتصادی و تصحیح و تثبیت آنها گذاشت.

نتیجه گیری

مقاله حاضر به بازکاوی جامع مفاهیم مالیات و امور مربوط به آن در ایران پرداخت. این مقاله به بررسی تاریخچه مالیات در ایران، تعاریف مختلف مالیات، انواع مالیات، اصول محاسبه مالیات، معافیت‌ها، تخفیف‌ها و تعهدات مالیاتی پرداخت. سیستم مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای اساسی دولت برای جمع‌آوری درآمدها و تأمین منابع مالی جهت تأمین نیازهای عمومی تأکید شد. شناخت صحیح از مفاهیم مالیاتی و قوانین مربوطه از اهمیت بسزایی برخوردار است. سازوکارها و قوانین مالیاتی در ایران توسط سازمان امور مالیاتی کشور تنظیم و اجرا می‌شود.

علاوه بر این، مقاله به مقایسه مالیات با زکات، ویژگی‌های نظام مالیاتی کارآمد، ارزیابی نظام مالیاتی ایران، مشکلات فعلی نظام مالیاتی ایران، طبقه‌بندی مالیات‌ها در ایران، سیر مراحل وصول مالیات، اهمیت انطباق با قوانین مالیاتی، تأثیرات مالیات بر اقتصاد و جوامع و نقش مالیات در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور پرداخت.

هدف اصلی این مقاله ارائه یک نگاه جامع به مفاهیم مالیاتی و امور مربوط به آن در ایران بوده است تا خوانندگان را با اصول و اهداف اصلی سیستم مالیاتی این کشور آشنا سازد و به درک بهتری از این حوزه برساند. در نهایت، این مقاله سعی دارد تا بازکاوی جامعی از مفاهیم مالیاتی و امور مربوط به آن در ایران ارائه دهد و خوانندگان را با اصول و اهداف اصلی سیستم مالیاتی ایران آشنا سازد.

منابع

احمدپور، ا. "علل علی الراس شدن درآمد مشمول مالیات شرکتهای پیمانکاری"، مجموعه مقالات دومین همایش سیاستهای مالیاتی ایران، ۱۳۸۸، ص ۷۱۴-۷۲۵

آقای، ا.، ۱۳۷۹، "بهبود کمی مالیات در گرو خدمات رسانی" دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

پژویان، ج.، ۱۳۷۲، "بررسی اقتصاد مالیات بر شرکتهای در تهران"، معاونت امور اقتصاد و دارایی

حبیبی کمیجانی، ع. و زنجیردار، ۱۳۹۰، "عوامل مؤثر بر ارتقاء تمکین مؤدیان مالیاتی اداره کل مالیاتی استان مرکزی"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

حجتی پور، ا. و محمد جواد محمودی، ۱۳۸۵، "بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی واحدهای مشاغل شرق تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز.

دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱، "قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ با آخرین اصلاحات مصوب ۸۰/۱۱/۲۷" نشر نگاره آفتاب، چاپ اول عرب مازار، ع.، ۱۳۸۲، "جستارهایی در سیاست گذاری مالیاتی"، تهران، انتشارات دانشکده امور اقتصادی

- دوانی، غ.، ۱۳۸۰، " حسابداری دولتی "، انتشارات کیومرث.
- رزاقی، م.، ۱۳۸۸، " جزوه مبانی مالیات "، دانشکده امور اقتصادی و دارایی.
- زنگنه، م. و منصور گرکز، ۱۳۸۸، " طراحی مدلی جهت تبیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اراک
- عرب مازار، ع.، ۱۳۷۳، " فصلنامه مالیات " شماره ۱۸.
- علاء، ع.، ۱۳۷۳، " سخنی در باب فرهنگ مالیاتی "، مجله فصلنامه مالیات، دانشکده امور اقتصادی تهران، شماره ۷۷ و ۷۸
- کلانتری، ش. ۱۳۸۷، " بررسی راهکارهای بهبود و توسعه فرهنگ مالیاتی "، مرکز آموزش مدیریت دولتی واحد تهران.
- کوزه گز کالجی، ع. و ابوالقاسم اثنی عشری، ۱۳۸۳، " بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه ممیزان مالیاتی"، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر.
- ماسگریو، ر. و پگی ماسگریو، مترجم: مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر، ۱۳۸۷، " مالیه عمومی در تئوری و عمل "، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ دوم، جلد اول.
- مهندس، ا. و مهدی تقوی، ۱۳۷۲، " مالیه عمومی "، انتشارات فروردین.
- Kraft, Donald ‘ Boyce , Bert R’ Operations research for libraries and information ‘ Journal of Government In formation - Volume 29 ‘ - September - October , 2002.
- Chen,b.1,(2003),"tax evasion in model of endogen ous growth", review of economic dynamics, vol.13,nol.pp381-403
- Mcleod , Raymand , 1998 , Management in formation systems’ Seventh ed ‘ Newjersy ‘ prentise Hall.
- Cummings, r., Jorge Martinez, Michael Mckee, Benno Torgler, (2005)," Effects of Tax Morale on Tax Morale on Tax Compliance", Experimental and Survey Evidence, October 2005, 2
- Martti, v., (2003)," tax evasion and the psychology of the social contract", Journal of Economics and Business, vol.10, nol.pp 111-125
- Murphy, k., (2008)," Enforcing Tax Compliance : To Punish or Persuade?, ECONOMIC
- Sangheon, k.,(2008)," does political intention affect tax evasion, " journal of policy modeling, vol.5 nol.401-415